

Subject: A Constitutional Assembly Is Not Plan B — It Is the Only Plan

April 20, 2026

Mr. President,

The late John Lennon once sang in Imagine:

“You may say I’m a dreamer, but I’m not the only one. I hope someday you’ll join us, and the world will live as one.”

What I am saying today is what many Iranians inside Iran are saying. I am not the only one.

In 2019, after four decades of growing demands for constitutional change—demands that began in the summer of 1979 and continued through repeated crackdowns, including the Kurdish massacres and the suppression of reformist movements—fourteen brave men and women signed the “Statement of 14,” calling for a new constitution and the resignation of Ayatollah Khamenei.

In 2022, protests rooted in opposition to Articles 5 and 8 of the Constitution ignited the historic “Woman, Life, Freedom” movement.

In 2025, a statement signed by 800 individuals—including Mir Hossein Mousavi, still under house arrest, and 160 university professors—called for a Constitutional Assembly and fundamental reform.

That same year, 17 prominent women, including Nasrin Sotoudeh and Narges Mohammadi, issued another declaration demanding a Constitutional Assembly.

Now, in 2026, even amid the pressures of war, yet another statement—signed by 400 individuals—continues to demand the same: a Constitutional Assembly and a new constitution.

Those who have signed these statements with their names and identities have faced prison, exile, or death. The reason is clear: the Constitution is the regime’s red line. Without it, the ruling system cannot sustain its power, its corruption, or its export of terrorism. It is the legal foundation that enables the regime to plunder Iran’s wealth—amounting to nearly one trillion dollars—and channel those resources into proxy networks and dormant terror cells around the world.

Mr. President,

Here lies the common ground between U.S. policymakers and the voices inside Iran: the call for a Constitutional Assembly.

Within the nine-page preamble and multiple articles of Iran's Constitution, the United States is explicitly defined as an enemy. The hostility toward America and its allies is not rhetorical—it is constitutionalized, embedded in the very structure of governance.

If the United States were to take even a principled position—raising objections to the Iranian Constitution and initiating a global narrative around it—it would ignite a powerful internal movement for constitutional change. From that point forward, no further intervention would be necessary.

Such an approach would also remove the distraction of externally manufactured opposition figures who have overshadowed authentic voices within Iran.

The United States already holds the most powerful non-military leverage: nearly one trillion dollars in stolen Iranian assets held abroad. Through targeted, smart sanctions, these funds can be redirected toward the reconstruction of a future free Iran—conditioned upon the formation of a Constitutional Assembly.

A Constitutional Assembly is not a secondary option. It is the only viable path forward.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra

www.CyrusForce.org

ترجمه فارسی

موضوع: مجلس مؤسسان، طرح دوم نیست — تنها راه است

بیستم آوریل 2026

آقای رئیس‌جمهور،

جان لنون فقید در ترانه «ایمجین» می‌خواند:

«ممکن است بگویی من رویابین هستم، اما من تنها نیستم. امیدوارم روزی به ما بیوندی و جهان یکی شود»

آنچه امروز من می‌گویم، همان چیزی است که بسیاری از ایرانیان در داخل ایران می‌گویند. من تنها نیستم!

در سال 2019، پس از چهار دهه مطالبه برای تغییر قانون اساسی — مطالباتی که از تابستان 1979 آغاز شد و با سرکوب‌های پی‌درپی، از جمله کشتارهای کردستان و سرکوب جنبش‌های اصلاحی ادامه یافت — چهارده تن شجاع «بیانیه 14 تن» را امضا کردند و خواستار قانون اساسی جدید و استعفای آیت‌الله خامنه‌ای شدند.

در سال 2022، اعتراضات علیه اصول 5 و 8 قانون اساسی، جرقه جنبش تاریخی «زن، زندگی، آزادی» را زد.

در سال 2025، بیانیه‌ای با امضای 800 نفر — از جمله میرحسین موسوی در حصر خانگی و 160 استاد دانشگاه — خواستار تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر بنیادین قانون اساسی شد.

در همان سال، 17 زن برجسته، از جمله نسرین ستوده و نرگس محمدی، بیانیه‌ای دیگر در مطالبه مجلس مؤسسان منتشر کردند.

اکنون در سال 2026، حتی در فضای جنگی، بیانیه‌ای دیگر با امضای 400 نفر، همان مطالبه را تکرار می‌کند: مجلس مؤسسان و قانون اساسی جدید.

امضاکنندگان این بیانیه‌ها که با نام و نشان خود سخن گفته‌اند، با زندان، تبعید یا مرگ روبه رو شده‌اند. دلیل آن روشن است: قانون اساسی خط قرمز رژیم است. بدون آن، این نظام نمی‌تواند قدرت، فساد، و صدور تروریسم خود را حفظ کند. این همان چارچوبی است که غارت ثروت ایران — در حد نزدیک به یک تریلیون دلار — و انتقال آن به شبکه‌های نیابتی و سلول‌های خفته در سراسر جهان را ممکن ساخته است.

آقای رئیس‌جمهور،

در اینجا نقطه مشترک میان سیاست‌گذاران ایالات متحده و صداهای داخل ایران قرار دارد: مطالبه مجلس مؤسسان. در مقدمه نه صفحه‌ای و در مواد متعدد قانون اساسی ایران، ایالات متحده به صراحت به عنوان دشمن معرفی شده است. این خصومت صرفاً شعاری نیست، بلکه در ساختار حقوقی نظام نهادینه شده است.

اگر ایالات متحده حتی موضعی اصولی اتخاذ کند — و به قانون اساسی ایران اعتراض کرده و گفتمانی جهانی پیرامون آن شکل دهد — این اقدام می‌تواند جرعه یک جنبش قدرتمند برای تغییر قانون اساسی در داخل ایران باشد. از آن پس، دیگر نیازی به اقدام اضافی نخواهد بود.

چنین رویکردی همچنین باعث خواهد شد که صداهای اصیل داخل ایران، تحت‌الشعاع چهره‌های تحمیلی بیرونی قرار نگیرند.

ایالات متحده در حال حاضر قدرتمندترین اهرم غیرنظامی را در اختیار دارد: نزدیک به یک تریلیون دلار از دارایی‌های غارت شده ایران در خارج از کشور. با استفاده از تحریم‌های هوشمند، می‌توان این منابع را مشروط به تشکیل مجلس مؤسسان، در مسیر بازسازی ایران آزاد آینده هدایت کرد.

مجلس مؤسسان، یک گزینه جایگزین نیست؛ تنها راه حل است.

با احترام

سهراب چمن‌آرا